

روایت آن ها که «شوق» رابه «زندگی» برمی گردانند

گزارشی درباره گروه های مردمی که با همراهی مجتمع «شوق زندگی» از خانواده های آسیب پذیر حمایت می کنند

گزارش
روز



نگار
روزنامه نگار

۸۰ درصد تخلفات پرونده های قیمین کمتر شده است

شهین نورانی، دبیر اجرایی کارگاه های «حامی» و «قیم افتخاری»



متوجه شدیم والدین و سرپرستان قانونی کودکان، نیاز به آموزش حقوقی دارند، پس در راستای قانون حمایت از اطفال، گروه آموزش تخصصی تشکیل دادیم و سه دوره راتعریف کردیم به نام «حامی». ابتدا مسئولیت آموزش ها با خودم و پنج نفر دیگر بود اما اکنون سی نفر این کار را برعهده دارند.

در دوره اول حامی، سرپرستان یا والدین کودکان بزه دیده، همچون کودکان کار، به دستور دادیاری باید در این دوره شرکت کنند تا متوجه حقوق کودک و نوجوان شوند. این دوره تا امروز در پانزده مرحله اجرا شده است. آن ها اوایل با سختی راضی به حضوری شدند اما حالا خودشان داوطلبانه می آیند. کارگاه آموزشی این دوره، بین رشته ای است؛ یعنی ابتدا از روان شناس کمک می گیریم و بعد از وکیل. آن ها که نیازمند درمان تخصصی هستند، به سایبان تخصصی روان شناسی ارجاعشان می دهیم.

دوره دوم کارگاه حامی، مربوط به کودکان معارض با قانون است که «رویش» نام دارد. این دوره برای خودکودک با نوجوان برگزار می شود تا با قانون آشنایی پیدا کند. دوره سوم هم «آرامش» نام دارد. این دوره برای سرپرست های قانونی سالمندان است. یک قیم ممکن است قیم یک سالمند سال خورده یا مهاجر یا دارای معلولیت ذهنی یا جسمی باشد که آموزش مسئولیت هایشان، متفاوت است و آن رادر برنامه اضافه کرده ایم. این بخش برای این است که قیم بدانند چه مسئولیت قانونی در قبال سالمند دارد.

انرژی و عشقی درمیان مددجویان وجود دارد که شما را برای خدمت به آن ها جذب می کند؛ همین باعث می شود نه تنها رابطه شان را با مجموعه قطع نکنند، بلکه جدی تر و با تمام وجود کارشان را ادامه بدهند. هرکدام با دنیایی از شوق و با هدف پیشرفت برای فرد زیر نظرشان، به این کار داوطلبانه ادامه می دهند.

«سایبان عدالت»، اولین سایبان مجتمع شوق زندگی و بزرگ ترین آن بود که راه افتاد. وظیفه این سایبان، ابتدا دادن مشاوره حقوقی رایگان به مراجعان بود و فرقی هم نمی کرد که با چه مشکلی آمده باشند. به مرور زمان و با نیاز مراجعان، به صلاح دید سرپرست مجتمع، شرح وظایف ما بیشتر شد و ما یک بخش آموزشی را اضافه کردیم.

دایره سرپرستی با امین، مهجورین و صغار سروکار دارد و به همین دلیل نیاز بود که افراد داوطلب قیومیت، در این زمینه آموزش ببینند. در نتیجه تعدادی از وکلای داوطلب و تبرعی که عضو سایبان بودند، با کمک تجربه فراوان خود و دانش رشته حقوق خصوصی و ابلاغ سرپرست مجتمع، کار آموزش را به طور رسمی آغاز کردند. سایبان عدالت هم با نیروی داوطلب مردمی و به صورت رایگان به مجموعه و مردم خدمت رسانی می کند.

وکلایی که در مجتمع شوق زندگی یاری می دهند، برخی داوطلب و تبرعی هستند و بخشی دیگر به صورت معاضدتی و تسخیری (در سایبان سبوحا) مشغول رسیدگی به پرونده های اطفال زیر هجده سال هستند. در حال حاضر ۱۳۰ وکیل تبرعی در سایبان عدالت فعالیت می کنند. این تعداد در بخش مشاوره حقوقی به صورت چرخشی، یک بار در ماه در مجتمع حاضر می شوند و به همه مراجعان، مشاوره حقوقی رایگان می دهند. آن ها علاقه مند هستند آموزش بدهند تا سطح دانش حقوقی مردم افزایش یابد و جرائم و تخلفات کمتر شود و آسیب ها کاهش پیدا کند.

از روز دوم اردیبهشت ۱۴۰۰ که بخش آموزش راه اندازی کردیم، براساس آمارهای سنجشی که دادسرای سرپرستی تهیه کرده است، تخلفات و جرائم پرونده های قیمین حدود ۸۰ درصد کمتر شده است؛ البته این اثرگذاری به سادگی مشاوره های رایگان نبوده است، بلکه یک برنامه اجرایی آموزشی دقیق را اجرا کردیم.

اتاق هایشان از اتاق دادگاه و دادسرا شلوغ تر است. اصلا این سوی ساختمان «مجتمع شوق زندگی»، خبرهای دیگری در راه است. اینجا هم والدین و فرزندانشان هستند اما دیگر نه به عنوان بزه دیده، بزه کار و منتظر صدور حکم. فضا آرام است، مثل یک فضای اداری معمولی، اما بدون پرس و جو هم معلوم است آن ها که پشت میزهای کوچک نشسته اند، در حال راه انداختن کار مراجعان هستند. ساختمان مجتمع قضایی، اجتماعی «شوق زندگی» دو چهره متفاوت دارد؛ یکی جنبه قضایی و رسیدگی به پرونده هاست و دیگری جنبه حمایت و آموزش. آن ها که رسیدگی به پرونده های کودکان و نوجوانان را به این ساختمان انتقال دادند، هدفشان تنها جابه جایی چند میز و اتاق نبود، بلکه به آینده آن اطفال و بازگشت آنان به خانواده و جامعه فکر کردند. برایش طرح چندند و افراد را به همراهی گرفتند؛ نه به معنی استخدام بلکه کار داوطلبانه و به قول خودشان، خدمت از روی عشق.

رهایشان نمی کنیم

داخلی ویژه ای برای دادگاه دوستدار کودک انجام دهم؛ به این دلیل که به دنبال تغییر نگاه ها بودیم و دیگر اینکه نمی خواستیم این کودکان و خانواده هایشان را به حال خود رها کنیم. او ادامه می دهد: کار رسیدگی قضایی به بزه راقضات و دادیاران انجام می دهند و روال قانونی خودش را دارد اما کارهای دیگری را هم در نظر گرفته ایم. بر مبنای اسمی که بر مجتمع گذاشتیم، تصمیم گرفتیم حمایت ها را هم اجرایی کنیم. اگر تیم ما تشخیص بدهد که کودک در محیط آسیب پذیری قرار دارد، رهایش نمی کنیم و برای او در شعبه ۸ دادیاری، پرونده بزه دیدگی تشکیل می دهیم. برایش ناظر تعیین

اول از همه سراغ کسی را می گیریم که ایده حمایت از کودکان و نوجوانان و خانواده های آسیب پذیر را مطرح و همه جوره از آن حمایت کرد. نیره عابدین زاده، معاون دادستان مرکز استان و سرپرست مجتمع قضایی، حمایتی، اجتماعی شوق زندگی، درباره نیت راه اندازی ایده ناظران می گوید: پیش از این ما جرها، دادگاه کودک و نوجوان در محل دادگاه انقلاب، مستقر بوده که در آن محیط نمی شد چندان به کودکان فکر کرد و برایشان کار مؤثری جز رسیدگی قضایی انجام داد. بعد از تصویب جابه جایی ساختمان و اختصاص یک فضا به گروه سنی کمتر از هجده سال، از دادستان فرصتی خواستم تا طراحی

ه گروه؛ زیرمجموعه باشگاه «داوطلبین»

سید مجید سادات

مسئول «باشگاه داوطلبین» مجتمع شوق زندگی

من از فروردین سال ۱۴۰۲ به این مجموعه پیوستم اما قبل از این ها، این گروه تشکیل شده بود. این روزها باشگاه ما ۷۴۱ داوطلب خانم و آقای دارد که هرکدام در یک یا چند بخش به صورت افتخاری خدمت می کنند. بخش های زیرمجموعه «باشگاه داوطلبین» شامل پنج گروه ناظران، سایبان عدالت، قیمین، اتاق نشاط و سایبان مهر است. یک مجموعه شامل سی سایبان دیگر هم داریم که جزو ارکان اصلی مجتمع قضایی اند و نیروهای آنان، پرسنل مجموعه هستند و خدمات دیگری به مراجعان می دهند. اگر آن ها نیروی داوطلب نیاز داشته باشند، ما از اعضای باشگاه به آنان معرفی می کنیم. گروه ناظران ما زیرمجموعه واحد مددکاری هستند. شهروندانی را که با مدارک تحصیلی و سوابق مختلف به ما مراجعه و فرم درخواست پر می کنند، براساس علایقشان تقسیم بندی و با اعلام نیاز هر بخش، سایبان به آن ها معرفی می کنیم.

گزارش عملکرد هر فرد را مسئول سایبان به من اعلام می کند و در صورت بروز مشکل قطع همکاری می کنیم که در این مدت، فقط یک قطع همکاری داشته ایم. بنای کار ما براساس خیر و کمک به شهروندان است؛ برای همین افرادی که اینجا هستند، تعهد اخلاقی دارند و خودشان دلسوزانه پیگیر افراد زیرمجموعه شان هستند.

قیم ۱۲ کودک و بزرگ سال شده ام

محمد حسن جوانبخت، عضو گروه «قیمین»



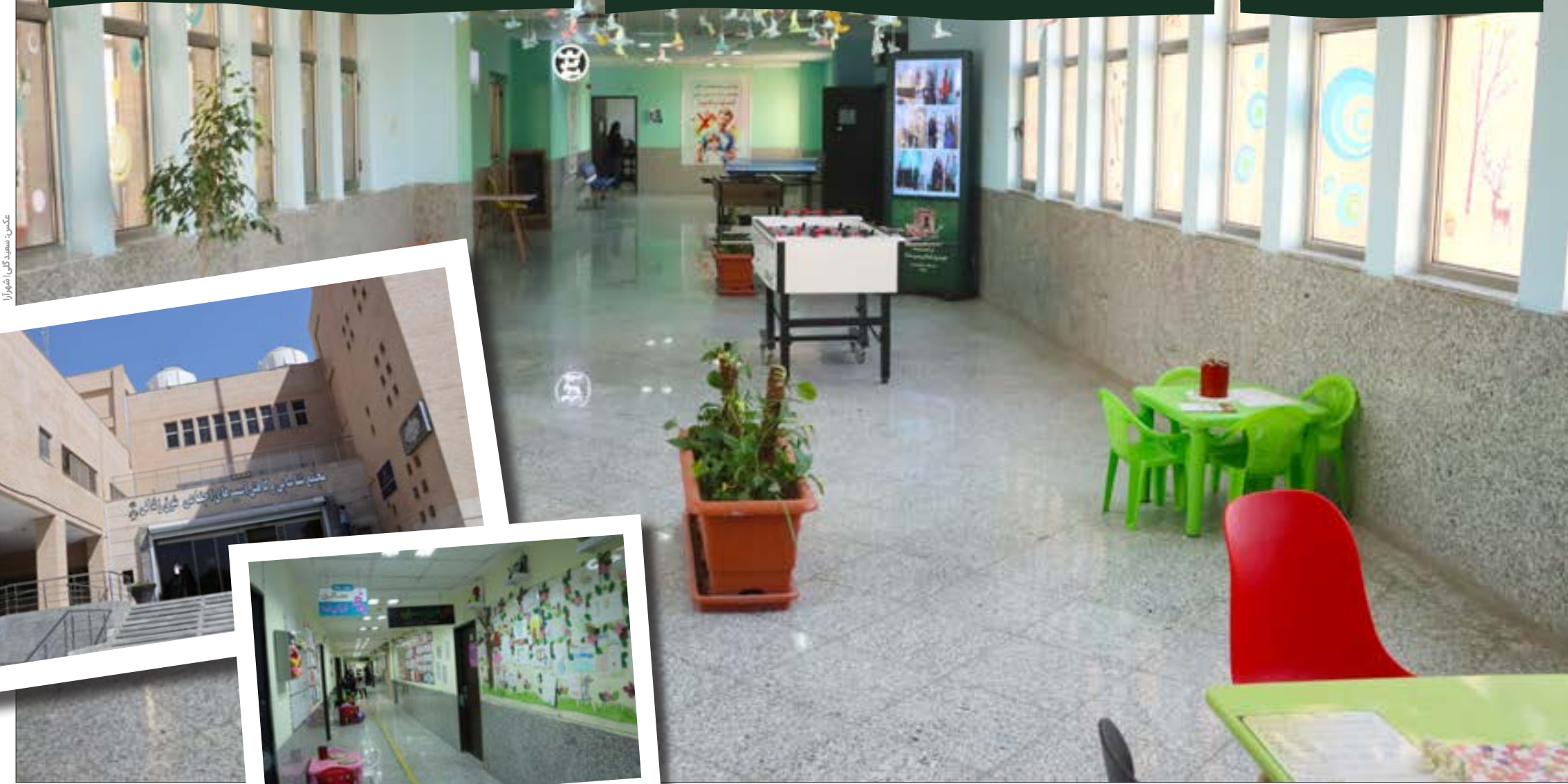
چو عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار؛ در واقع فلسفه کار ما همین یک بیت شعر است. ما به دنبال کمک به گروهی هستیم که به هر دلیل ناتوان هستند. شغل من پیش از بازنشستگی هم به نوعی ارتباط با همین افراد بود و با این حوزه نا آشنا نبودم؛ مثلا به عنوان نماینده استانداری در جلسات خانه سبز شرکت می کردم. بعد از پایان خدمت، با آشنایی دوری که از فضا پیدا کردم، تصمیم گرفتم اگر می خواهم خدمتی بکنم که هم کمک کننده به شهروندان دیگر باشد و هم کار خیر محسوب شود، وارد این مجموعه شوم. نزدیک به سه سال و چند ماهی است که اینجا هستم. در واقع قرار شد به خانواده ها و افراد ناتوان کمک کنم. این کار، جبران تجربه و سلامت جسمی است که در اختیار داریم.

یکی دو مورد نظارت دارم اما بیشتر پرونده هایم قیم افتخاری است. هم اکنون قیم دوازده نفر هستم. مخاطبان ما افراد بدسرپرست یا بی سرپرست هستند یا نیاز دارند کسی کارهای اداری و قانونی آن ها را انجام بدهد. ما به عنوان قیم از طرف دادسرا و دادستان حکم داریم که کارهای این افراد را انجام بدهیم. بعضی از کسانی که قیمشان هستم، تحت پوشش بهزیستی هستند و به کارهایشان سرکشی می کنیم. برخی در خانه هستند و عده ای در مراکز. قیمومت نوجوانان سیزده تا چهارده ساله را برعهده داریم تا بزرگ سالان پنجاه و هفت ساله. بزرگ سالان اغلب معلولیت دارند یا کهولت سن. هرکدام از این ها بسته به شرایط و وضعیتشان، نیاز به پیگیری دارند؛ از پیگیری کار اداری تا پیگیری کار مدرسه و درمان. برخی هم خانواده هایشان آن ها را رها کرده اند

که باید به دنبالشان بگردیم. شاید انجام کارهای اداری برای من و شمایی که با سواد و سالم هستیم، چند روزی طول بکشد ولی برای این افراد که سرپرست صالحی ندارند یا دچار معلولیت هستند، در مدت یک سال هم به نتیجه نرسد.

قیم بودن به معنی حامی است و جانشین پدر و مادر نداشته فرد. باید مقدمات استقلال فرد را فراهم کنیم تا کودک و نوجوان بعد از رسیدن به سن قانونی، زندگی خودش را آغاز کند؛ البته من در این سه سالی که اینجا خدمت می کنم، هنوز به چنین موردی نرسیده ام.

کار ما جسته و گریخته است. یک هفته ممکن است کاری نداشته باشیم و هفته دیگر، هر روز مشغول یک موضوع و یک نفر بشویم. تا وقتی خداوند توفیق بدهد، به خدمتگزاری ادامه می دهم و هنوز هم فضا برای ورود دیگران و خدمت انسان دوستانه وجود دارد.



عکس: سید علی شهرآرا